

## ادامه مطلب

## در حاشیه خبرها...

از صفحه ۳۲

اخلال گر منطقه کمک خواهد کرد. البته هم زمانی تصمیم کشورهای صادر کننده نفت یعنی اوپک را هم مبنی بر مخالفت با بالا بردن میزان تولید نفت با این گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا نباید از نظر دور داشت. آیا میتوان چنین تحلیل کرد که کشورهای تولید کننده با این تصمیم قصد داشتند قیمت نفت را به تدریج تا مرزهای یکصد و پنجاه دلار و شاید هم دو صد دلار برسانند، اما این تصمیم آمریکا گرچه حتی باعث کاهش قیمت نفت هم نشود، دست کم چون ترمزی درباره قیمت فزاینده نفت عمل خواهد کرد؟ در این تصمیم آمریکا می توان به نکته دیگری هم اشاره کرد و آن داشتن گوشه چشمی است از سوی حزب جمهوریخواه آمریکا نسبت به این تحولات که شاید سبب شود تا نامزدهای ریاست جمهوری، سنا و کنگره آمریکا با نسبت کمتر مفتضحانه ای در برابر رقبای دمکرات خود به شکست تن دهند و قوای خود را برای دوره های بعدی بسیج کنند.

آیا بوش علاوه بر سنا و کنگره از سوی حزب خود نیز تحت فشار قرار نگرفته بود تا تن به این تصمیم دهد؟ در خاتمه نمی توان یک مورد را نادیده گرفت و آن آفرین خواندن بر رژیم است که توانسته است دستگاه اجرایی خود را وادار به کاری سازد که به نفع دولت آن، به ویژه رئیس جمهور کشورش نبوده است.

به نظر نمی رسد که بوش با رضایت خاطر و داوطلبانه حاضر شده اجازه دهد این اطلاعات سازمان های امنیتی آشکار شوند. اما این سیستم آمریکاست که دستگاه اجراییش را وادار به چنین کاری کرده است. آیا اداره کنندگان کشورهای دیگر هم می توانند به داشتن چنین رژیمی در کشورهای خود مباحث کنند. دست آخر آن که امیدوارم سازمان های اطلاعاتی آمریکا توسط عوامل جمهوری اسلامی رودست نخورده و خودی های رژیم اسلامی در لباس خبررسان و دوست آمریکایی ها، اطلاعات نادرستی را در اختیار مقامات اطلاعاتی انگلستان یا آمریکا قرار ندهد باشند که از این دم بریده های اسلامی هیچ چیزی بعید نیست.

این ها همان گروهی هستند که سینما رکس آبادان را به آتش کشیده و چهار صد نفر را جزغاله کردند و با ترندهای خود، به میلیون های ایرانی این گونه وانمود ساختند که چون فیلمی درباره اشرف در این سینما نمایش داده میشد، سینما بوسپله ساواک به آتش کشیده شده و تماشاگران آن هم همگی از بین برده شدند تا شاهدهی بر این جنایت ساواک نمانده باشد.

## اما زمین همچنان می گردد

با تمام اطلاعاتی که سازمانهای امنیتی آمریکا داده و اعلام کرده اند جمهوری اسلامی از سال دو هزار و سه دست از ساختن بمب اتمی برداشته است اما من معتقدم که جمهوری اسلامی به دنبال حمله آمریکا به افغانستان و عراق و نیز آثار آشکار شدن فعالیت های اتمی خود، تصمیم گرفت که فعالیت های خود را به دو صورت آشکار و پنهان یا روزمینی و زیرزمینی انجام دهد. یعنی تمام عملیات مربوط به تولید بمب اتمی به زیرزمین های مسلح و غیرقابل نفوذ انتقال داده شد و تأسیسات انرژی اتمی بر روی زمین باقی گذاشته شد و هر وقت که نمایندگان آژانس بین المللی به جمهوری اسلامی می رفتند که سر نخ از فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی به دست آورند، آنها را به همین سازمان های روزمینی هدایت می کردند و سپس این نمایندگان را با خاویار و فرش ایران به فرودگاه می رساندند.

به عبارت دیگر فعالیت های جمهوری اسلامی به موازات هم و در روی زمین و زیر زمین پیش می رود و این مطلبی است که بارها جمهوری اسلامی به صورت آشکار بیان کرده است. مقامات جمهوری اسلامی در مقابل احتمال حمله آمریکا به تأسیسات اتمی ایران بارها تأکید کردند که این تأسیسات در زیرزمین و تونل هایی است که هیچ اسلحه ای به این تونل ها کارگر نیست. اقرار از این آشکارتر؟

## علت مخالفت جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی بارها و در شرایط گوناگون مخالفت خود را با حل مسالمت آمیز اختلافات اعراب و اسرائیل بیان کرده است. از جمله تازه ترین آنها، مخالفت احدی نژاد با تشکیل کنفرانس آنابولیس بود که ضمن محکوم کردن آن، حتی کشورهای عرب شرکت کننده در این کنفرانس را خائن به آرمان های اعراب خواند.

اما به بینیم علت مخالفت جمهوری اسلامی با حل مسالمت آمیز اختلافات اعراب و اسرائیل چیست و چرا هر موقع روزه ای برای حل مناقشات در این منطقه به چشم می خورد فوراً جمهوری اسلامی با آن مخالفت کرده و گاه با برانگیختن عوامل خود، منطقه را به آشوب می کشاند.

جمهوری اسلامی خواهان نفوذ در منطقه است و قصد دارد در نهایت، کشورهای عرب منطقه را تبدیل به جمهوری اسلامی از نوع رژیم خود کند و تمایل دارد رهبرانی بر سر کار آیند که بدون چون و چرا تابع خواسته های جمهوری اسلامی باشند و اوامرو را به موقع اجرا گذارند. بزرگترین حربه جمهوری اسلامی علاوه بر رأی در سازمان های جهانی منابع سرشار مالی است که به عنوان گوناگون در اختیار طرفداران خود قرار می دهد. این جمهوری تحت لوا و بهانه حقوق پایمال شده مردم فلسطین خود را حامی مظلومان قلمداد می کند در حالی که اگر این اختلافات حل شود، دیگر موردی برای دخالت های رژیم ایران در منطقه باقی نخواهد ماند به ویژه اگر کشورهای منطقه ترس از اسرائیل را نداشته باشند کلیه تجهیزات و امکانات خود را در راه پیشرفت کشورهای عرب منطقه بکار خواهند برد و طبیعی است که با بالا رفتن درآمد سرانه اعراب و رفاه اقتصادی آنان، دیگر کسی حاضر نخواهد بود خانواده و کاشانه و آینده خود را از دست داده و تنها به خاطر پاداش هایی که از سوی جمهوری اسلامی و سازمان های مخرب و تروریستی تأمین می شود خود را منفجر ساخته و منطقه را به آشوب کشاند و با از دست رفتن این حربه بدیهی است که به نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه لطمه خواهد خورد از سوی دیگر مناطق آشوب زده ای چون فلسطین و جنوب لبنان و بخشی از سوریه به عنوان بازوی اجرایی جمهوری اسلامی عمل کرده و مخمل و موی دماغ اسرائیل هستند و با بوجود آمدن صلحی پایدار، احتمالاً رقیب اصلی اسرائیل نیز جمهوری اسلامی خواهد بود از این روست که رژیم اسلامی هرگز علاقمند نیست که این حربه برنده به این آسانی از دست او خارج شود و همیشه خود را کاسه داغتر از آش که خود فلسطینی ها و حکومتشان باشد، نشان می دهد.

## شکست همتای احمدی نژاد

هوگو چاوز که یکی از سیاستمداران هوچی و دهان گشادی است که در آمریکای لاتین پیدا شده و علی الظاهر قصد مبارزه با آمریکا را دارد، از نظر من همتای احمدی نژاد است که ذره ای صداقت در اعمال و رفتار و گفتارش وجود ندارد و برای آن که به قول معروف بر خر مراد سوار شود، خود را که یکی از بزرگترین سرمایه داران است، حامی ضعفنا و مظلومان و فقرا جازده است و البته با زرنگی کامل عده ای از کشورها از جمله جمهوری اسلامی را نیز تیغ می زند، در حالی که کشور او بر روی ذخایر نفت شاور است و نیازی هم به کمک کشورهای دیگر ندارد.

اما از نظر من او تنها قصد دارد که مثل همپایه های دیگرش از جمله پوتین، قذافی، خامنه ای، علی اوف، اسد، پرویز مشرف، مبارک و... همچنان در قدرت بماند. اما آخرین همه پرسی که در کشور او انجام شد احترام مرا نسبت به مردم ونزوئلا بالا برد زیرا مردم این کشور با گفتن «نه» به اختیاراتی که چاوز خواسته بود و از جمله تمدید دوره ریاست جمهوری نشان دادند که رشد سیاسی آنها به مراتب بیش از مردم کورهایست که روسا و رهبران مادام العمر دارند. آفرین بر مردم ونزوئلا.

در ضمن بد نیست همین جا اضافه کنم که با این نتیجه انتخابات، احترام من نسبت به چاوز هم بالا رفت. حداقل او مثل همتایش احمدی نژاد و دار و دسته حمایتگرش با شامورتی بازی از صندوق انتخابات پیروز بیرون نیامد و به نظر من از این جهت، چاوز به انواع احمدی نژاد ها شرف دارد.

## نایافته دم

سران شورای همکاری کشورهای خلیج فارس در بیانیه پایانی اجلاس خود که البته رئیس جمهوری مهربان و محبوب جمهوری اسلامی هم به این جلسات به عنوان ناظر دعوت شده بود، اعلام کردند که جمهوری اسلامی یا می بایستی جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را پس دهند و یا این کشورها از جمهوری

اسلامی به دادگاه بین المللی شکایت کرده و خواستار داوری این سازمان خواهند شد. عبدالرحمان عطیه، دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس، در گفت و گویی با تلویزیون العربیه اعلام کرد که رهبران کشورهای عضو این شورا متفقاً به ایران پیشنهاد می کنند «با جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را باز پس دهد یا موضوع را در محاکم بین المللی طرح خواهند کرد». تنب بزرگ و تنب کوچک، به شکل تاریخی تحت حاکمیت ایران بوده اند و جزیره ابوموسی نیز شرایط مشابهی داشته اما از اوایل قرن بیستم تا سال ۱۹۷۱ میلادی، توسط انگلستان کنترل می شد البته این خواسته این کشورها، یعنی مراجعه به دادگاه بین المللی، تهدیدی بیش نیست چون آنها نمی توانند این مطلب را بدون موافقت ایران در دادگاه بین المللی مطرح سازند و تاکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی با احاله این مطلب به دادگاه بین المللی مخالفت کرده است. حتی در دهه ۸۰ میلادی نیز، امارات متحده عربی ادعای تملک این جزایر را در چارچوب شکایتی از ایران در سازمان ملل متحد مطرح کرد که رأی نهایی به نفع ایران بود.

اما نکته جالب قیافه دیدنی رئیس جمهور محبوب است که به بوی کباب به این جلسه رفته بود و از آن جا که این اولین بار بود از ایران به عنوان ناظر به این شورا دعوت می شد، سردمداران جمهوری اسلامی آن را به نشانه نفوذ رژیم اسلامی در منطقه تلقی کرده و این تصور را داشتند که هیچ یک از معضلات منطقه بدون حضور جمهوری اسلامی قابل حل و فصل نیست کما اینکه بالاخره آمریکا نیز پذیرفت که حل مسأله عراق بدون مشارکت جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست و همین جا اضافه کنم که این یکی از اشتباهات بزرگ آمریکا بود که بی مطالعه دست به چنین کاری زد و جمهوری اسلامی نیز با انداختن باد به غنغ چنین وانمود می کند که مسأله عراق بدون مشارکت ایران قابل حل نیست در حالیکه مسأله عراق اتفاقاً بدون دخالت جمهوری اسلامی قابل حل است، نه با دخالت آن و باید هر چه زودتر دست این رژیم از عراق کوتاه شود که شاهد جمهوری اسلامی دیگری در این منطقه نباشیم، بگذریم. رئیس جمهوری محبوب که با این فکر یعنی نفوذ روز افزون جمهوری اسلامی در منطقه در این اجلاس شرکت کرده بود، در پایان مواجه با اعلام نظر این شورا درباره جزایر شده و به قول معروف دست از پا درازتر به ایران بازگشت.

## دهن کجی به قوانین

دهن کجی جمهوری اسلامی به مقررات و تصمیمات و قطعنامه های بین المللی همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی یکی از کشورهایی است که قراردادی را امضاء کرده که بموجب آن متعهد شده است تا افراد زیر سن قانونی را اعدام نکند. مکوان مولود زاده جوانی که گفته می شد در سیزده سالگی به پسر دیگری تجاوز کرده است، پس از آنکه هفت سال در زندان به سر برده بود، در بیست سالگی به همان جرم دوران کودکی و نوجوانی اعدام شد. اعدام این جوان باعث خشم افکار عمومی جهان و مجامع بین المللی شده و موجی از اعتراضات را متوجه رژیم غیرانسانی جمهوری اسلامی کرد، زیرا این مطلب آشکارا کلاه شرعی گذاشتن بر سر قطعنامه های بین المللی است. از سوی دیگر اگر به اتهام لواط کردن و لواط دادن بتوان کسی را اعدام کرد بسیاری از همین آخوندها که بر سر کار هستند و در نوجوانی و جوانی روی زانوی هم بزرگ شده اند، می بایستی به چوبه های دار تسلیم شوند.

جرمی که یک جوان سیزده ساله مرتکب شده، مربوط به همان سال هاست و یک نوجوان سیزده ساله را نمی توان اعدام کرد و این بر خلاف حکم شرع، قوانین اسلامی و شیعی و قوانین جاری مملکتی همین جمهوری اسلامی و قوانین بین المللی است که جمهوری اسلامی هم آن را امضاء کرده است. از سوی دیگر تمام کسانی که روزگاری علیه او شهادت داده بوند، شهادت خود را پس گرفته بوند و خود مکوان هم گفته بود، اقرار او تحت فشار مأموران شکنجه ایراد شده است. آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضاییه یعنی بالاترین مرجع قضایی گفته صریحاً دستور داده بوده است تا از اجرای این حکم جلوگیری شود.

با این ترتیب آن قاضی که دستور اجرای چنین حکمی را داده نه تنها می بایستی بلافاصله از کار برکنار شود، بلکه می بایستی بلافاصله به دادگاه تسلیم شده و به

اشد مجازات محکوم شود تا از این اقدامات حسینقلی خانی که هر کس در حوزه خود، خویشتن را حاکم بلامنازع می داند جلوگیری شود. در غیر این صورت باید آیت الله شاهرودی که گفته می شود آدم موجبی است، بلافاصله از مقام خود کناره گیری کند تا معلوم گردد که او با این گونه رویه ها مخالف است. اما از یک سو حب مقام و منصب و از سوی دیگر بده و بستانهایی که در رژیم آخوندی برقرار است، آیا اجازه چنین کناره گیری و چنین محاکمه ای را خواهد داد؟ گمان نمی کنم و گر نه که نام این رژیم جمهوری اسلامی نمی شد.

## باعث دلگرمی

گروه پارلمانی اروپا دیداری از تهران کرده و طی آن با نمایندگان مجلس، گروهی از زنان، دانشجویان و کارگران و فعالین حقوق بین المللی دیدار کردند. منظور این هیئت از دیدار توضیح هدف های گروه برای مردم ایران و جامعه مدنی ایران و مقامات جمهوری اسلامی اعلام شده است. دیدار و گفتگو از این گروهها، یکی از هدف های مهم این هیئت بود و دیدار از اقلیت های بهایی و سنی و نیز نمایندگان کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی از دیگر هدف های آنان بود. آنها در این سفر موفق شدند تا با مادران دانشجویان زندانی نیز دیدار کرده و پای صحبت و دل نگرانی های آنان بنشینند. این هیئت در دیدار خود از ایران از جمله با مقامات بلند پایه رژیم ایران، نمایندگان پارلمان و پاره ای از رهبران طرفداری از حقوق زنان، برخی از خانواده های زندانیان عقیدتی و سیاسی و نمایندگان اتحادیه های کارگری نیز دیدن کردند.

گروه پارلمانی اروپا که به ریاست خانم «آنجلیکا بر» از ایران دیدن کرده بودند در بیانیه ای که در پایان این دیدار منتشر کرد، خواهان آزادی فوری دانشجویان زندانی و خواستار رعایت حقوق بشر و آزادی های مذهبی اقلیت های دینی، احترام به حقوق زنان و رعایت حقوق اتحادیه های کارگری شد. این دومین باری بود که هیئت نمایندگی پارلمان اروپا از ایران دیدار می کردند. آنها بر این نکته تأکید کردند که تضییع حقوق بشر در جمهوری اسلامی در مقایسه به دو سال پیش به مراتب بیشتر شده است. این گروه پارلمانی در گزارش خود آورده اند که قوانین ضد حقوق زنان در مجلس شورای اسلامی در حال تصویب است، اتحادیه های کارگری تحت فشار هستند، دانشجویان بازداشت و زندانی شده اند و خبری از محل زندانی شدن آنان اعلام نمی شود و از همه مهمتر اعدام کسانی که قبل از رسیدن به سن قانونی جرمی مرتکب شده اند، همچنان ادامه دارد. البته تشدید تمام این اقدامات به دنبال روی کار آمدن دولت رئوف و بسیار مهربان و مردمی محمود احمدی نژاد است که در آمریکا اعلام کرد رژیم ایران بیش از هر کشوری به حقوق افراد به ویژه زنان احترام قائل است. و معلوم نیست که اگر به جای ایشان دولتی غیرمردمی و خشن سر کار می آمد، چه بلایی بر سر مردم ایران می آورد. این که گفته اند همه روز عاشورا و همه جا کربلاست در مورد ایران جمهوری اسلامی صادق است. مردم پس از سیزده قرن هنوز به سبب مظلوم کشته شدن حسین و همراهانش، هر سال به سر و روی خود می زنند و لعنت به یزید و ابن سعد می فرستند، در حالیکه با روی کار آمدن این رژیم از سی سال پیش، دهها هزار بار بیشتر از کشته شدگان کربلا، توسط این رژیم غیرانسانی کشته شده است. در پایان واقعاً جای دلگرمی است که هنوز جامعه بین المللی مردم ایران را فراموش نکرده اند و با بازدیدهای خود و گزارشاتی که منتشر می کنند، افکار عمومی بین المللی را از آنچه در ایران اسلامی می گذرد، آگاه می سازند. حقیقتاً این اقدام انسانی آنان جای تحسین دارد، مشروط بر آنکه وقتی پای معامله پیش می آید منافع و مصالح بازرگانی خود را با حقوق حقه مردم مبارز ایران مبادله نکنند. بد نیست همین جا اضافه کنم که همزمان با این رویداد، سازمان عفو بین الملل نیز در بیانیه ای خواستار آزادی فوری دانشجویان زندانی در ایران شد. این دانشجویان که تعداد آنان بالغ بر سی تن هستند در روز شانزده آذر «روز دانشجوی» از سوی مقامات رژیم اسلامی بازداشت و زندانی شدند. جالب آن که شانزده آذر، روزی است که دانشجویان دانشگاه تهران به مناسبت بازدید ریحارد نیکسون معاون آیزنهاور از ایران در زمان شاه، دست به اعتراض و تظاهرات زدند که طی آن سه تن از دانشجویان کشته شد.

## تسلیت

## رفتی و رفتن تو آتش نهاد بر دل

سهیلا، شهباز و نیمای عزیز

زبان قاصر است و قلم عاجز. با اندوخی بیکران در گذشت

جانسوز و نابهنگام روانشاد «فریبا لیقوانی» را به شما و کلیه

بستگان تسلیت گفته، و برای همگی صبر و بردباری آرزو می کنیم.

افلیا - اردشیر پرویزاد

## تسلیت

سرکار خانم و جناب آقای طاهری

با دل هایی داغدار، درگذشت نابهنگام شادروان

«فریبا لیقوانی»

را به شما و خانواده های وابسته تسلیت عرض می نمایم.

برایتان از خداوند متعال صبر و بردباری مسألت داریم.

نصرت الله نوح، هما، آشورینا و تمامی همکاران شرکت پژواک